

**نویسنده:** پاول بوهل «Paul Buhle» .  
**منبع و تاریخ نشر:** کونترپانچ «2021-11-12» .  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

---

## جنگ چهل ساله: طارق علی و افغانستان

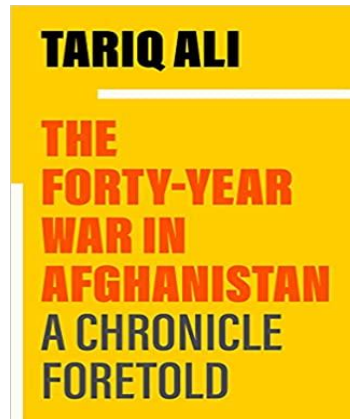
### *The Forty Years War: Tariq Ali and Afghanistan*



**منبع عکس:** Mike Pryor – Public Domain

کتاب «جنگ چهل ساله» طارق علی، رویدادی در چارچوب رویداد بزرگتر خروج ایالات متحده از افغانستان است. هیچ کس، چه چپ و چه راست، ماجراجویی نادرست سیاست ایالات متحده در آنجا را با چنین توجه جدی و بینش دقیق دنبال نکرده است. نه، در خود بریتانیا، از دید بسیار بالاتر. از صفحات گاردین گرفته تا لندن ریویو و بوکز و حتی در گفتگوی عمومی با یکی از مشاوران خارجی کلیدی بریتانیا (تحت حزب کارگر)، نظرات

او در بالاترین سطوح مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. چرخش های اخیر چرخ (یا پیچ) هزاران بار او را اثبات کرده است.



طارق علی، نظریه پرداز و مورخ برجسته مارکسیست، مدرس در سراسر قاره ها، سردبیر نیو لفت ریویو، مشارکت کننده قدیمی کا نترپانچ و غیره، اتفاقاً در رویدادهای منطقه ای در اطراف شبه قاره هند و افغانستان همجواری شرکت می کند. او اصالتاً پاکستانی است - یا بهتر است بگوییم در بخشی از هند که تبدیل به پاکستان می شود - هما نطور که همه می دانند. او در فاصله بیش از نیم قرن از وطن خود، جدای از دیدارها، به شناخت صمیمانه مردم منطقه، تضادها، امیدها و ناامیدی های دوران پس از استعمار فرمان می دهد. همه اینها بخشی از اوست.

در اینجا یک منبع، اگر به هیچ وجه تنها منبع، بینش منحصر به فرد او نیست. مسئله افغانستان بدون "مسئله پاکستان" وجود ندارد. جریان رفت و برگشت در سراسر مرزها که به طور مصنوعی توسط قدرت های استعماری ایجاد شده است متوقف نشده است، بلکه با درگیری های داخلی، تلاش اشتباه روسیه برای تداوم یک دولت حائل در برابر هنجارهای غربی، و فاجعه بعدی تهاجم و اشغال ایالات متحده تسریع شده است.

علی واقعیت عمیق جغرافیا و جمعیت شناسی را به اختصار توضیح می دهد و کاوش می کند. افغانستان یکی از فقیرترین مناطق جهان است که تحت هر رهبری ایدئولوژیک، نظامی یا هر رهبری دیگر قرار دارد. سامی حاکمان نه بیشتر از ایدئولوژی، کثرت جمعیت های مختلف را که بر اساس سنت تقسیم شده اند، تغییر می دهد، و نه ادعاهایی که برای «تغییر» یا «مدرن سازی» مطرح می شود، آب یا زمین های زراعی بیشتری ایجاد نمی کند. خشکاش رشد می کند و اکنون 90 درصد از منبع جهانی هروئین است، زیرا جایگزین ها شرایط قابل زنده ماندن را نمی دهند.

بنابراین، کابوس ژئوپلیتیکی تلاش های ایالات متحده، کاهش پروژه امپراتوری بریتانیا در همان دره ها، به روز شده توسط فناوری نظامی گسترده و ظرفیت ایجاد یک سبک زندگی تقریباً حومه آمریکایی که سربازان انگلیسی به آن حسادت می کردند، به روز شده است (شاید فقط دسترسی مهاجمان به ترافیک جنسی محلی تا حد زیادی یکسان باقی مانده است). همانطور که متن نشان می دهد، فراتر از مرزهای نگهداری موقت مهاجمان، می

توان یک جامعه مدنی مصنوعی ایجاد کرد (می توان مطمئن بود که افغان های بریتانیایی دیروز رمان های انگلیسی می خواندند و کریکت بازی می کردند)، بقیه جامعه تا حد زیادی دست نخورده باقی مانده اند، مگر با حملات ویرانگر به همه جوانب، فقر و بدبختی بی پایان .

اما تمرکز **علی** در بسیاری از این کتاب دقیق و دقیق، ماهیت توهم غربی و مخصوصاً آمریکایی و انگلیسی است. هما نظور که او می گوید، چین، روسیه و اکثر مناطق کابل از سرنگونی طالبان که منشأ آن را می توان به راحتی در کمک ایالات متحده جستجو کرد، احساس آرامش جمعی کردند. «امارت وهابی» رانده شد، اما حالا چه؟ البته قلب مشکل قبلاً با واکنش ایالات متحده (و بریتانیا) به بمباران 11 سپتامبر پنهان شده بود. ردیابی منشأ شهروندان سعودی غیرقابل تحمل خواهد بود به نوعی، تهاجم به چیزی در منطقه برای آمریکایی های پیشرو که به دنبال تحکیم هژمونی جهانی پس از جنگ سرد در همه جا، به ویژه در خاورمیانه بودند، کاری درست و مردانه به نظر می رسید. اعتماد ریاست جمهوری بوش عالی بود. اما همانطور که **علی** می گوید، «مشکل کمبود بودجه نبود، بلکه خود پروژه دولت سازی غربی بود که طبیعتاً فرآیندی برونزا بود» که «هیچ ارتباطی با واقعیت های موجود نداشت». (ص 106).

جناح های متخاصم، تغییر ائتلاف ها، بی کفایتی و فساد **رژیم کرزی** که توسط ایالات متحده نصب شده بود، همه اینها و موارد دیگر از دید خبرنگاران دور مانده بود یا شاید حدس بزنیم که اکثر آنها نمی خواستند بدانند. میلیاردها دالر کمک هرگز به افغان های عادی نرسید، کاملاً برعکس: ثروتمندان ثروتمندتر شدند در حالی که فقرا از محرومیت های روزافزون رنج می بردند. سا زمان های غیردولتی، ازدحام می کردند، اما دستورات خود را از دور دریافت می کردند، در مقرها زندگی می کردند و محله هایی ساختند که هیچ ارتباطی با بقیه کشور نداشتند، به زودی مجبور شدند مزدوران را برای محافظت از آنها استخدام کنند.

فریاد «پیروزی» از دور شنیده می شد، به عنوان بیا نیه های مطبوعاتی و بیا نیه ها به کنگره، اما در خود افغانستان، فقط توسط کسانی که در دست داشتند شنیده می شد. طالبان منابع تازه جنگجویان خود را از جمعیتی که به شدت بیگانه و مشتاق انتقام بودند، به دست آوردند. اگر نگوئیم بخش بزرگی از کتاب، یادداشتی غم انگیز است که یک بار دیگر بدانیم که **اوباما** نامزد صلح (نوعی) که می توانست به محض کسب ریاست جمهوری به مسخره بازی افغانستان پایان دهد، رئیس جمهور صلح نبود. یک دوره طولانی افغانستان تنها یک اشتباه چشمگیر ادامه دار برای اولین رئیس اجرایی بدون سفید پوست در دفتر بیضی شکل بود و **کالین پاول** قبلاً مسیر دفاع از امپراتوری را مشخص کرده بود. اعدام طراحی شده **اسامه بن لادن** توسط دولت **اوباما** و دفن مرموز او در دریا، سوء استفاده از اختیارات ریاست جمهوری برای تشدید جنگ در منطقه، این بار در **لیبی**، نادیده گرفتن هرگونه اطلاعات خلاف اطلاعات – همه اینها تنها می تواند باعث ناراحتی شود. کسانی که از دموکرات ها به بهتر شدن امید داشتند. با نگاهی متفاوت، شاید شکست های خود **اوباما**، به علاوه اشتیاق **ترامپ** برای خروج از افغانستان، اقدامات نهایی را اجتناب ناپذیر کرده است.

این یاد داشت کمتر غم انگیزی است، و واقعاً یک اظهار نظر طارق علی است. یادآوری می شود که بزرگترین تظاهرات ضد جنگ در تاریخ، تنها در بین میلیون ها نفر در اروپا و بریتانیا، زمانی که ایالات متحده آماده حمله به عراق بدبخت بود، ظاهر شد. این جنبش صلح موفقیت آمیز نبود اما بیهوده هم نبود. ما می توانیم، با یاد بارها و بارها بسیج شویم.

**چند سطر در مورد نویسنده این یادداشت :**

**پل بوهل** یک مورخ بازنشسته و یکی از بنیانگذاران پروژه تاریخ شفاهی به همراه اسکات مولوی در مورد ساکنان رود آیلند است.

----- **با تقدیم احترامات «2021-11-14»**